

به نام خدا

عنوان درس: کودک و خواندن، تعاریف و نظریه ها (فصل دوم)

استاد: مهرنوش منصوری

با سلام، امید که شاد و سلامت باشید.

مقدمه

برای فراهم آوردن شرایط مساعدی که فرایند رشد کودکان و نوجوانان را تسهیل نماید، شناخت ویژگی ها و نیازهای کودکان و نوجوانان امری ضروری است و مربیان، والدین، کتابداران، نویسندگان، تصویرگران و هنرمندان در این زمینه مسئولیت فراوانی دارند. یکی از مهمترین این شرایط، ایجاد عاداتی است که کودک و نوجوان را به سمت شناخت و آگاهی هدایت کند و او را برای رویارویی با روند رشد خود مجهز نماید.

ایجاد عادت به مطالعه، به خصوص خواندن منابع غیر درسی یکی از این عادت های پسندیده است. زیرا کودک نیازمند این است که خود را بهتر بشناسد و به قابلیت های خود پی ببرد.

ایگور موتیاشو در کتاب کودک امروزی و نیاز او به مطالعه می گوید:

اگر عشق به مطالعه از همان کودکی در نهاد کودک بارور نشد و اگر مطالعه به عنوان یک نیاز معنوی زندگی کودک در نیامد، روح او در سنین جوانی تهی خواهد بود. آن وقت است که سادگی و نپختگی جوانی راه را برای بدی ها باز می کند و گوشه های تاریک تر طبیعت انسان آشکار می شود.

تعاریف و نظریه ها

مطالعه چیست؟ مطالعه بررسی عمیق و همه جانبه یک مقوله است به طوری که بخشی از حواس آدمی یا تمامی آن در این امر مشارکت داشته باشد؛ به عبارت دیگر «روندی است از به کار گیری ذهن و به منظور دریافت اطلاعات، توجه دقیق و تجربه و تحقیق در باره هر موضوع، رویداد و پدیده صورت می گیرد و شامل خوب دیدن، خوب شنیدن و لمس کردن، چشیدن، تجربه کردن، پرسش کردن و به دنبال پاسخ ها بودن می شود» (فرهنگ وبستر، ص ۱۸۰۸)

خواندن چیست؟ خواندن می تواند زیرمجموعه مطالعه باشد. عملی که در آن دیدن و شناسایی کردن علائم نوشتاری، تبدیل علائم نوشتاری به صوتی، درک مجموعه علائم و

آواها و در نتیجه درک معنا از آن حاصل می شود؛ اما این درک بی هدف صورت نمی گیرد و خواننده گاه به قصد آموختن، زمانی با هدف آگاه شدن و در جایی هم به قصد لذت بردن و پرکردن اوقات فراغت به آن روی می رود که هر سه می تواند با هم همراه باشد.

توران میرهادی خواندن را به دو بخش تقسیم می کند:

۱- **خواندن آزاد:** در این نوع خواندن لذت بردن و سرگرم شدن هدف اصلی تلقی می شود و هرآنچه از آن حاصل شود، برنامه ریزی نشده است.

۲- **خواندن مقید:** در این نوع خواندن، خواننده خود را از ابتدا پایبند اهدافی خاص قرار می دهد و در پایان نیز نتیجه کار خود را می سنجد. مثل آموختن انجام کاری یا یافتن پاسخ هایی برای سوال هایی، یا در معرض ارزشیابی قرار دادن خود.

واقعیت آن است که انسان در طول حیات خود به هردوی این انگیزه ها، راه ها و روش ها نیاز دارد و تنها در صورت توالی یا توازی این دو روش است که عادت به خواندن شکل می گیرد.

نیازها، علایق و انگیزه ها

انسان در تمام فعالیت های ذهنی و راهبردی خود به خواندن نیاز دارد. چه آنها را در زمره نیازهای حسی و عاطفی طبقه بندی کنیم، چه در رده نیازهای شناختی. کودک از لحظه تولد وارد مرحله شناختی می شود و در صدد شناخت خود، دیگران و محیط طبیعی برمی آید. پس نیازهای شناختی اوست که او را برای رویارویی با مراحل گوناگون زندگی آماده می کند. در این حوزه آثار مستند مستقیم تر می تواند پاسخگوی نیاز باشد؛ هرچند یک داستان خوب هم قادر است زمینه های شناخت خود و دیگران را فراهم کند.

موانع و مشکلات خواندن

بر اساس تحقیقات انجام شده فعال ترین و علاقه مندترین خوانندگان در هر جامعه کودکان و نوجوانان هستند، اما این روند همیشه این گونه نخواهد بود. بنا براین وظیفه بزرگسالان تنها به ایجاد اشتیاق خواندن در کودکان و نوجوانان خلاصه نمی شود، بلکه آنها باید در جهت تداوم خواندن این گروه های سنی برنامه ای موثر، پویا و منطبق با واقعیت ها و شرایط پیش بینی کنند و گام به گام در این برنامه ها با آنها همراه باشند تا عادت به خواندن شکلی پایدار به خود بگیرد.

اسکار پیت می گوید: گرچه دانش آموزان فعال ترین خوانندگان هستند، ولی هیچ گونه ضمانتی برای تداوم خواندن آنها وجود ندارد. (اسکار پیت، ۱۳۶۸ ص ۱۳۹)

عوامل بازدارنده خواندن کودکان و نوجوانان

۱- **موانع فردی:** موانع فردی هم می تواند ریشه جسمی داشته باشد و هم روانی و اجتماعی. معلولیت ها می تواند در زمره موانع فردی شناخته شود. کودک نابینا هر قدر هم به خواندن علاقه مند باشد، اگر در برابر موانع فیزیکی (مثل عدم توانایی خواندن متون عادی و چاپی) چاره جویی هایی صورت نگیرد و برای او کتاب هایی به خط بریل یا کتاب های گویا تهیه نگردد، او قادر به خواندن نخواهد بود.

۲- **موانع روانی یا اجتماعی:** این موانع به طور خلاصه ذکر می شود:

الف- آمادگی برای خواندن تا حدود زیادی به ارزش و اهمیتی که جامعه به امر خواندن می دهد، بستگی دارد. در جامعه ای که خواندن ارزش به شمار نمی آید، انتظار این که کودکان و نوجوانان با اشتیاق به خواندن رو بیاورند، انتظاری نامعقول و غیرواقع بینانه است. در این حالت کودکان و نوجوانان عدم علاقه به خواندن خود را در پشت توجیه هایی نظیر نداشتن وقت کافی برای مطالعه یا خستگی ناشی از برنامه های آموزشی رسمی پنهان می کنند. حال آن که هرگاه شرایط بیرونی، تشویق کننده و هدایتگر باشد، کودک خود به خود و داوطلبانه به این وادی گام می گذارد.

ب- وضعیت ناخوشایند خلق، تولید و توزیع آثار را هم نمی توان از نظر دور داشت. در جامعه ای چون ایران که جمعیتی جوان دارد و حدود بیست میلیون دانش آموز در مقاطع تحصیلی آن مشغول به تحصیل هستند، انتظار می رود بازار تولید کتاب های خاص آنها از رونقی استثنایی برخوردار باشد، حال آن که با نگاهی گذرا بر تیراژهای کتاب در می یابیم که چنین نیست و حوزه خلق و تولیدیا تحرک و پویایی کافی ندارد و یا پویایی آن مقطعی است و از طرف دیگر آنچه تولید می شود از نظر کمی هیچ گونه تناسبی با جمعیت کودک و نوجوان که جزو خوانندگان بالقوه هر جامعه هستند ندارد.

نکته دیگر این که همین میزان آثار تولید شده هم به طور عادلانه در جامعه توزیع نمی شود و در دسترس قرار نمی گیرد که این به عدم رشدیافتگی شبکه کتابخانه های عمومی کودکان و مدارس یرمی گردد و همین تیراژ اندک هم تنها در اختیار کسانی است اولاً به مراکز عرضه دسترسی دارند و ثانیاً توانایی مالی برای خرید آنها را دارند.

ج- سطح کیفی آثار چاپی را نیز می توان یکی از موانع جدی تلقی کرد. همیشه خواندن را نباید ناشی از عدم علاقه دانست. محتوای آثاری که در اختیار خوانندگان قرار می گیرد در

ایجاد علاقه مندی بسیار موثر است. خواندن گاه اعتراضی است به محتوای آثار و کیفیت نازل آنها. وقتی علاقه مندی به خواندن ایجاد می شود که اثر به نوعی پاسخگوی نیاز یا خواسته ای باشد. در غیر این صورت بین خواننده و اثر کششی به وجود نمی آید و شادی حاصل نمی شود.

مری رایت پلومر شادی هایی را که حاصل خواندن است، تحت عنوان هفت شادی خواندن طبقه بندی می کند: لذت آشنایی، لذت شگفت زدگی، لذت همدلی، لذت قدرشناسی، لذت گسترش دانسته ها، لذت یکه خوردن، لذت مکاشفه

د- ممیزی نیز یکی از عوامل بازدارنده است. ممیزی پیش از انتشار آثار کودکان و نوجوانان سبب رکود کیفی این ادبیات شده است. نباید فراموش کرد که همه آثار از ارزش های یکسانی برخوردار نیستند و پس از انتشار است که مورد نقد و نظر قرار می گیرند و مجموعه این ارزیابی ها و استقبال یا عدم استقبال خوانندگان حکم نهایی را در باره اثر صادر می کند. این که کسانی هرچند آگاه و صالح، با اعمال ضوابطی که می تواند درست هم باشد با اتکا به تفسیرهای فردی و در پشت درهای بسته سرنوشت یک اثر را رقم بزنند، روشی قیّم مآبانه است که توانمندی های جامعه، یعنی آموزگاران، کتابداران، متخصصان، منتقدان و والدین را دست کم می گیرد و در دراز مدت سبب انتشار آثاری می شود که فرصت طلبانه خود را با ضوابط اعمال شده هماهنگ کرده اند و در نتیجه بازار کتاب کودک از آثار برجسته و محدوده شکن و ضابطه آفرین محروم می شود.

س- رشد و توسعه رسانه های صوتی و تصویری قبل از تثبیت وضعیت مواد مکتوب یکی دیگر از مقوله هایی است که بر خواندن کودکان و نوجوانان تأثیر گذاشته است. از آنجا که این رسانه ها جذابیت بیشتری دارند کودکان و نوجوانان بیشتر به استفاده از این رسانه ها تمایل نشان می دهند.

تردیدی نیست که در عصر سلطه رسانه های صوتی و تصویری نمی توان از کودکان و نوجوانان انتظار داشت که به اندازه نسل های گذشته خود را مقید به کتاب کنند. زیرا در کسب آگاهی، آموزش بهتر و پرکردن اوقات فراغت رسانه های دیگر نیز وجود دارند. بنابراین باید جایگاه کتاب را در این میان بشناسیم و کتاب ها را چنان با وضعیت جدیدشان تطبیق دهیم که در زندگی روزانه کودکان باقی بمانند. بنا به گفته یکی از کارشناسان بهترین راه پیش بینی آینده این است که آن را اختراع کنیم (دیردن، ۱۳۷۲، ص ۱۱۸). او در توجیه نظر خود می گوید: لازم است بررسی کنیم و ببینیم که سایر رسانه ها از عهده چه کارهایی

بهتر برمی آیند تا آن عرصه ها را به آنها بسپاریم و کتاب را در مسیری قرار دهیم که رسانه های دیگر در رقابت با آن ناتوان ترند.

در قبال حضور رسانه های الکترونیکی نظریه های افراط گرایانه و تفریط گرایانه مشاهده می شود. برخی حضور این رسانه ها را به منزله پایان عمر کتاب می دانند و برخی نیز به نفی کامل ارزش های این رسانه ها می پردازند که هیچ یک درست نیست. یکی از کارشناسان، آینده کتاب های کودکان و نوجوانان را در گروی سادگی و در عین حال عمق و تنوع موضوعی و ساختار هنری آنها می داند.

با توجه به شرایط و واقعیت ها می توان پیش بینی کرد که کتاب هایی که جذاب و عمیق و شیرین باشند و با تجربه ها و نیازها و علایق و توانایی های کودکان همراه باشند و تخیل سیال آنها را به بازی بگیرند می توانند همچنان در کنار سایر رسانه ها در زندگی کودکان و نوجوانان حضور مؤثر خود را حفظ کنند.

پایگاه های ایجاد عادت به مطالعه و خواندن

خانواده، مدرسه، کتابخانه های عمومی و سایر رسانه های جمعی از پایگاه های ایجاد عادت به مطالعه و خواندن هستند.

الف- خانواده

خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است و تردیدی نیست که همه فعالیت های تربیتی از خانواده آغاز می شود. نقش خانواده در ایجاد عادت به مطالعه از گهواره ایجاد می شود. **لالایی ها** اولین پیوند دهنده کودک با ادبیات به شمار می آیند.

«لالا لالا گلم باشی

تسلای دلم باشی

بمونی همدم باشی

بخوابی از سرم واشی»

بعد از این مرحله بازی ها نیز به آن اضافه می شود. آثاری که هم زمینه ساز کسب مهارت های حرکتی است و هم به مدد موسیقی کلام گوش او را با قابلیت های زبان مادری آشنا می سازد.

بازی- ترانه هایی که هنگام عوض کردن کودک استفاده می شد، در حالت های مختلف می خواندند: آب می کشیم آب می کشیم، آرد می پزیم آرد می پزیم و...

یا بازی ترانه هایی به مقتضای سن کودک چون اتل متل ، کلاغ پر، گرگم و گله می برم و...

این بازی -ترانه ها دامنه خود را تا آن گاه که کودکان نیاز دارند برصداهای زبان مادری مسلط شوند ،گسترش می دهند.

ادبیات قومی نیز سرشار از اشعار ترانه هایی است که می تواند حتی در سنین نخستین و از راه گوش کودک را با صداها و حتی ساختمان شعر آشنا کند.

«بعی می گه بع،بع

دنبه داری نع،نع

پس چرا می گی بع بع؟»

قصه گویی که یکی از هنرهای قدیمی است،می تواند برای کودک بسیار لذت بخش باشد و او را در بخشی از میراث سرزمینش سهیم نماید.

داستان خوانی یکی دیگر از شیوه هایی است که کودکان را قبل از ورود به مدرسه با خواندن تصاویر آشنا می کند و سبب ایجاد تجربه های مشترک بین آنها و بزرگسالان و در نتیجه نزدیک شدن اعضای خانواده با یکدیگر می شود.

برنیس کولینان در کتاب «برایم بخوان» می گوید: «مفهوم خواندن یزی فراتر از تلفظ کلمات است.خواندن برای کودک یک جریان اجتماعی است.» زیرا کودکان را در معرض اطلاعات گوناگون پیرامون جامعه و مردم قرار می دهد.

پردن کودک به نمایشگاه ها و فروشگاه های کتاب و همچنین عضویت در کتابخانه ها نیز می تواند به علاقه مند کردن کودکان به کتاب خوانی موثر باشد.

خلاصه کلام این که والدین نقش بسیار مهمی در ایجاد بستر مناسب جهت علاقه مندی کودکان و نوجوانان به مطالعه دارند.

ب-مدرسه

مدرسه دومین پایگاهی است که می تواند با برنامه ریزی صحیح و هدفمند کردن مطالعه خطی را که از خانه آغاز شده پی بگیرد.

به دلیل بی سوادى پدر و مادر و یا عدم عادت به مطالعه برخى از کودکان فرصت تجربه هاى مفید خواندن در خانواده را نمى یابند.

مسئله مهم ترین وظیفه مدرسه طراحی و پیاده کردن برنامه هاى آموزشى و پرورشى مدونى است که متناسب با هر مقطع سنى و هر پایه آموزشى باشد و کودکان را همگام و هماهنگ با آموخته هاىی که از طریق آموزش مفاهیم درسى کسب شده، به دنبال کردن علایق خود در کتاب هاى غیردرسى و در ساعات فراغت تشویق نماید.

در نظام هاى آموزشى برنامه مدار که اتکای آن بر تک کتاب درسى است، خواندن فراتر از کتاب هاى درسى نه توصیه شده و نه راهکارهاى آن پیش بینى مى شود. لذا سازمانى به نام کتابخانه هاى آموزشگاهى که مسئولیت اداره برنامه هاى خواندن را در مدرسه به عهده دارد شکل نمى گیرد. و اگر هم شکل بگیرد تنها به انجام فعالیت هاى مقطعى و غیر سازمان یافته مى پردازد. بنابراین به دلیل غیر پویا بودن نظام آموزشى موانع جدی بر سر راه تداوم خواندن و ایجاد عادت به مطالعه ایجاد مى شود.

اما در شرایطى که نظام آموزشى دانش آموز مدار باشد و کتاب درسى نقطه شروع فعالیت آموزشى معلم و دانش آموز تلقى شود و هیچ فعالیت آموزشى و پرورشى بدون بهره گیرى از سایر منابع دانش بشرى امکان پذیر نباشد، آن گاه کتابخانه با رسالت بارور کردن روند آموزش و پرورش پا به عرصه وجود مى گذارد و با برنامه ریزى دقیق در چهار چوب اهداف آموزشى و پرورشى مدرسه و مقطع تحصیلى و با همکارى آموزگاران و کتابداران برنامه مطالعه دانش آموزان را طراحی و به اجرا در مى آورد.

معلم و کتابدار مشترکاً برنامه هاى آموزشى و پرورشى را با اتکا به منابع موجود ترتیب مى دهند و دانش آموزان را آموزش مى دهند.

برنامه هاى خواندن به فراخور مقطع تحصیلى و اهداف برنامه هاى آموزشى و پرورشى در آن مقطع شکل مى گیرد؛ برای مثال یکى از اهداف آموزش ابتدایى، آموزش خواندن و نوشتن و تثبیت پایه هاى سواد است و همین طور شناسایى استعدادهاى فردى دانش آموزان و هدایت این استعدادها در مجرای صحیح خود. لذا برنامه هاىی نظیر قصه گوئى و نمایش خلاق در کلاس درس، کتاب خوانى انفرادى یا جمعى، کتاب سازى، معرفى کتاب ها و سایر منابع غیر درسى مى تواند مفید باشد.

در دوره هاى متوسطه اول و دوم با بالا رفتن توان خوانندگان و علاقه آنها به حوزه هاى مختلف علوم و معارف بشرى، جلسات بحث و گفتگو در باره کتاب، نقد و بررسی کتاب، برپایى نمایشگاه هاى موضوعى، برقرارى دوره هاى کوتاه مدت آموزشى برای بالا بردن مهارت هاى هنرى مثل نویسندگى، نقاشى، خطاطى، مجسمه سازى، موسیقى و کارهاى

دستی و فنی کتابخانه را علاوه بر یک مرکز اطلاع رسانی و آموزشی به کانون فعالیت های هنری مبدل می سازد.

امروزه **رایانه ، استفاده از شبکه و فضای مجازی** نیز در دستور کار مدارس قرار دارد.

باریارا فورد می گوید: «سواد اطلاعاتی به معنی توانایی یافتن، پروردن و استفاده موثر از اطلاعات است... و باید جزیی از تجربه های آموزشی هر دانش آموز باشد.

ریچارد بامبرگرمی گوید: «ایجاد عادت به مطالعه شامل فعالیت های مداوم و کوچکی است که به تدریج مزه خواندن را چه در کلاس درس و چه در اوقات فراغت به کودک می شناساند.»

اگر ما مرتبا کودکان و نوجوانان را در معرض **وسوسه های تازه ای در کتاب ها** قرار دهیم، می توانیم امیدوار باشیم که خواندن پس از پایان دوران مدرسه نیز ادامه یابد.

در این راه نقش مدرسه نقشی کلیدی است؛ زیرا با در اختیار داشتن دانش آموزان به صورت متمرکز و آن هم به مدت طولانی قادر است کودکان و نوجوانان را به گونه ای تربیت کند که شگفتی ها و لذت های درون کتاب ها را کشف کنند.

مدرسه باید بداند که کودکان آنچه را زندگی می کنند می آموزند و قرار دادن آنها در چنین موقعیت هایی تنها از **آموزگاران و کتابداران و همینطور والدینی** ساخته است که خود شیفته خواندن و با کتاب آشنا باشند.

ج- کتاب خانه های عمومی

کتابخانه های عمومی نهادهایی همگانی هستند که باید منابع و دانش بشری را به رایگان در اختیار همگان قرار دهند. در کتابخانه های عمومی **خواندن آزاد از طریق دنبال کردن علایق شخصی و بدون برنامه ریزی** دارای اولویت است. برخلاف کتابخانه های مدارس که **خواندن برنامه ریزی شده و هدفمند** از اولویت بیشتری برخوردار است. دنبال کردن هر دوی این جریان هاست که به شکل گیری **عادت ماندگار مطالعه** منتهی می شود.

این کتاب خانه ها محلی برای **پربار کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان** است.

مدارس در شرایطی که خود قادر به پاسخ گویی خواسته ها و علایق کودکان نیستند، آنها را به سمت استفاده از **کتابخانه های عمومی** هدایت می کنند.

گسترش کتابخانه های عمومی باعث می شود که **فرزندان طبقات محروم و متوسط جامعه** که از امکانات مالی مطلوبی برخوردار نیستند، با استفاده از خدمات این مراکز از بخت بیشتری برای در کنار ماندن از آسیب های اجتماعی برخوردار

گردند.

د- سایر رسانه های همگانی

هر رسانه پنجره ای تازه به روی انسان می گشاید و امکان دستیابی به اطلاعات را وسیع تر می کند. اگر بین رسانه های مختلف هماهنگی وجود نداشته باشد، هر رسانه نو ممکن است سبب به انزوا کشیدن سایر رسانه های قبل از خود شود که این مطلوب نیست.

در برنامه استفاده کودک از استفاده ها باید تعادل ایجاد شود. درک کامل از شرایط زمان و مکان موجب برنامه ریزی واقع بینانه است. لذا بزرگسالان باید دست از نگرانی های قیم مآبانه بردارند و نگران استفاده کودک از رسانه های صوتی و تصویری نباشند.

برنامه ریزی صحیح در تلویزیون که مهم ترین رسانه قرن شناخته شده است، سبب می شود که کودکان به مطالعه روی بیاورند.

مشاهده شاهکارهای ادبی در قالب فیلم های زنده و کارتونی سبب می شود که کودکان نسبت به خود اثر کنجکاو شوند و به خواندن آنها روی بیاورند.

بهره گیری برنامه های خاص کودکان و نوجوانان از گنجینه آثار ادبی سبب می شود که به نگرش و برداشت های کودکان از این آثار ادبی بعد جدیدی بیفزاید.

خوانده شدن یک متن ادبی در یک برنامه رادیویی توسط خواننده ای ماهر، لذت خوب و درست خواندن را با کودکان سهیم می شود. لذتی که آنها دوست دارند خود نیز تجربه کنند.

اگر رادیو تلویزیون بخواهد با تکیه بر جاذبه های صوتی و تصویری خوانندگان را به برنامه های خود پایبند نماید، باید منتظر رواج ساده پسندی و تنبلی ذهن کودکان و نوجوانان و جدا شدنشان از روند مطالعه باشیم.

خلاصه کلام این که همه رسانه ها اعم از چاپی (کتاب، روزنامه ها و مجلات) صوتی و تصویری (سینما، رادیو، تلویزیون و...) اگر در یک هماهنگی کامل عمل کنند، نه تنها مخل خواندن نیستند بلکه خوب خواندن و عمیق خواندن را ترویج می کنند. این ممکن است موجب کاهش خواندن از نظر کمی شود؛ ولی مسلماً از نظر کیفی سبب سطح ارتقای خواندن خواهد شد. ضمن این که ترویج کتاب خوانی نیز باید در دستور کار رسانه ها قرار گیرد.

توجه ۱: یکی از فعالیت های پیشنهادی پایان فصل اول کتاب (ویژگی های جسمی و روانی کودکان و نوجوانان) را انتخاب نمایید و گزارش آن را تا تاریخ ۹۸/۱۲/۲۵ ارسال نمایید.

توجه ۲: یکی از فعالیت های پیشنهادی پایان فصل دوم کتاب (کودک و خواندن، تعاریف و نظریه ها) را انتخاب نمایید و گزارش آن را تا پایان فروردین ۹۹ ارسال نمایید.

[ایمیل piru.mehr@yahoo.com](mailto:piru.mehr@yahoo.com)

شاد پیروز و سربلند باشید. مهنوش منصوری